



Factors affecting economic growth fluctuations in oil-rich countries in the direction of sustainable regional development (case study: Iraq)

oooo aaai .) asee mDDJj¹, Mohammad Hassanzadeh², Salah Naji Saleh³

¹ Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

² Professor of the Department of Economics, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

³ MSc in in Economics, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Received Date: 03 October 2024 Accepted Date: 01 January 2025

Abstract

Background and Aim: Due to oil price fluctuations, oil exporting countries can be accompanied by income instability and economic growth. This study examines the effect of oil revenue fluctuations on economic growth fluctuations in Iraq and the moderating role of financial development. Accordingly, the main objective of the study is to answer the question of whether financial development can reduce economic growth fluctuations in the context of oil revenue fluctuations.

Methods: The present study was conducted using the generalized moments method and time series data to examine the effect of oil revenue fluctuations on economic growth fluctuations and the moderating role of financial development. This method allows for the analysis and examination of the dynamics between macroeconomic variables.

Findings and Conclusion: The findings show that fluctuations due to the abundance of oil revenues have a positive and significant effect on economic growth fluctuations. Also, financial development can play an effective moderating role in reducing the fluctuations in economic growth caused by fluctuations in oil revenues. Based on the findings, it can be concluded that further development of the financial system can reduce the negative effects of oil revenue fluctuations on economic growth and financial development can be considered as an effective tool in managing the effects of oil revenue fluctuations on economic growth in Iraq.

Key words: Financial development, oil revenue fluctuations, economic growth fluctuations, Iraqi economy.

Corresponding Author Email: a.hashemi@uma.ac.ir

eeee rraaahlttte: hasanzadeh, M., Hashemi dizaj, A. and Naji Saleh, S. (2025). The impact of factors affecting economic growth fluctuations in oil-producing countries towards sustainable regional development (Case study: Iraq). Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS), 5(4), 200-213.



تأثیر عوامل موثر بر نوسانات رشد اقتصادی در کشورهای نفتی در جهت توسعه پایدار منطقه‌ای (مطالعه موردی: کشور عراق)

عبدالرحیم هاشمی دیزج^۱، محمد حسن زاده^۲، صلاح ناجی صالح^۳

۱- دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲- استاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۳- کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: کشورهای صادرکننده نفت به دلیل وجود نوسانات قیمت نفت، می‌توانند با بی‌ثباتی درآمد و رشد اقتصادی، همراه شوند. این تحقیق به بررسی تأثیر نوسانات درآمدهای نفتی بر نوسانات رشد اقتصادی در عراق و نقش تعدیلی توسعه مالی می‌پردازد. بر این اساس هدف اصلی پژوهش پاسخ به این سوال است که آیا توسعه مالی می‌تواند نوسانات رشد اقتصادی را در شرایط نوسانات درآمدهای نفتی کاهش دهد یا خیر.

روش بررسی: پژوهش حاضر با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته و داده‌های سری زمانی برای بررسی تأثیر نوسانات درآمدهای نفتی بر نوسانات رشد اقتصادی و نقش تعدیلی توسعه مالی انجام شده است. این روش امکان تحلیل و بررسی پویایی بین متغیرهای کلان اقتصادی را فراهم می‌آورد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد که نوسانات ناشی از فراوانی درآمدهای نفتی به‌طور مثبت و معنی‌دار بر نوسانات رشد اقتصادی تأثیرگذار است. همچنین، توسعه مالی می‌تواند نقش تعدیلی موثری در کاهش نوسانات رشد اقتصادی ناشی از نوسانات درآمدهای نفتی ایفا کند. بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که توسعه هر چه بیشتر سیستم مالی می‌تواند اثرات منفی نوسانات درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی را کاهش دهد و توسعه مالی به عنوان یک ابزار مؤثر در مدیریت تأثیرات نوسانات درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی در کشور عراق در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: توسعه مالی، نوسانات درآمدهای نفتی، نوسان رشد اقتصادی، اقتصاد عراق.

نویسنده مسئول a.hashemi@uma.ac.ir

ارجاع به این مقاله: حسن زاده، محمد، هاشمی دیزج، عبدالرحیم و ناجی صالح. صلاح. (۱۴۰۳). ۱۴. تأثیر عوامل موثر بر نوسانات رشد اقتصادی در کشورهای نفتی در جهت توسعه پایدار منطقه‌ای (مطالعه موردی: کشور عراق). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای. ۵(۴)، ۲۰۰-۲۱۳.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از اهداف کلیدی کشورها، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و توسعه همه‌جانبه است. در نتیجه، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر ایجاد و حفظ چنین رشدی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بی‌تردید، نظام مالی به دلیل توانایی در تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، تجهیز و تخصیص منابع بهینه در راستای حمایت از تولید و تقویت رشد اقتصادی، می‌تواند نقشی کلیدی در ثبات اقتصادی و بهبود رفاه عمومی و توسعه پایدار ایفا کند (مراد بیگی و هوک، ۲۰۱۶). با توجه به افزایش ریسک‌های اقتصادی و نوسانات متغیرهای کلان، نقش سیستم مالی در تجهیز سرمایه و تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و بزرگ، مدیریت بهینه ریسک، و در نهایت تحقق رشد اقتصادی پایدار، بیش از پیش حائز اهمیت شده است.

در دهه‌های اخیر، اتکا به منابع طبیعی در کشورهایی که دارای این منابع هستند، تأثیر عمیقی بر سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت‌ها و متغیرهای کلان اقتصادی داشته است. کشور عراق، مانند دیگر کشورهای وابسته به نفت، همواره تحت تأثیرات بحران‌های نفتی بوده است. از آنجایی که درآمدهای نفتی در کشور عراق یکی از منابع اصلی تأمین مالی بودجه دولت است، تغییرات در این درآمدها مستقیماً بر بودجه دولت و به تبع آن بر تقاضای کل اقتصاد تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کشورهای صادرکننده نفت از شوک‌های مثبت و منفی نفتی متضرر می‌شوند. به ویژه، اثرات شوک‌های منفی قیمت نفت باعث می‌شود این دولت‌ها برای تأمین نیازهای اساسی و پرداخت تعهدات خارجی، محدودیت‌هایی بر واردات اعمال کرده و اقدام به صرفه‌جویی ارزی کنند. از آنجا که بخش بزرگی از واردات این کشورها شامل کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز صنایع تولیدی است، این محدودیت‌ها می‌توانند اثرات منفی بر بخش تولید داشته باشند. چنین شرایطی می‌تواند منجر به تورم، افزایش نرخ ارز و رکود اقتصادی شود که به نوسانات رشد اقتصادی دامن می‌زند. همچنین، شوک‌های مثبت می‌توانند ارزش پول ملی را افزایش داده و هزینه کالاهای وارداتی را بالا ببرند، که در نتیجه قدرت رقابتی تولیدکنندگان کاهش می‌یابد و باز هم تورم و رکود اقتصادی به دنبال خواهد داشت (فاروق و همکاران، ۲۰۱۳).

با توجه به اثر درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشور عراق، استفاده بهینه از درآمدهای نفتی با هدف کاهش نوسانات اقتصادی و حداکثرسازی توسعه اقتصادی به یکی از بزرگترین چالش‌های این کشور تبدیل شده است. پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان از تأثیرات منفی درآمدهای نفتی بر نوسانات رشد اقتصادی کاست؟ و آیا توسعه سیستم مالی می‌تواند در کاهش اثرات این نوسانات و تثبیت رشد اقتصادی نقش مؤثری داشته باشد؟ به همین منظور در این پژوهش، نقش توسعه مالی در رابطه بین درآمدهای نفتی و نوسانات رشد اقتصادی در عراق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری پژوهش

توسعه مالی می‌تواند رابطه بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی را تعدیل و تثبیت کند. با توجه به مطالعات انجام شده، توسعه مالی باعث می‌شود که مازاد درآمد ها و پس انداز موجود در اقتصاد ناشی از استخراج و صادرات منابع طبیعی به سمت سیستم مالی حرکت کرده و از طریق سیستم مالی، تخصیص پس اندازها و مازاد درآمد بین قرض گیرندگان و قرض دهندگان صورت گیرد و از حرکت پس اندازها و نقدینگی ناشی از منابع طبیعی به سمت بخش غیر واقعی اقتصاد و امور سفته بازی جلوگیری خواهد شد. در نتیجه توسعه مالی قادر خواهد بود نوسانات بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی را کنترل و تثبیت کند. (حسن و همکاران، ۲۰۱۱ و بک، ۲۰۱۲ و بیتنکورت، ۲۰۱۲) یکی از کارکردهای مهم سیستم مالی، تخصیص بهینه منابع موجود بر اساس معیارهای کارایی و بهره‌وری می‌باشد (راجان و زینگلس، ۲۰۰۳).

^۱Muradbegi & Hook, 2016

^۲Farooq et al., 2013

^۳Hasan et al., 2011; Beck, 2011; Bittencourt, 2012

^۴Rajan & Zingales, 2003

کشورهای دارنده منابع نفتی وابستگی بسیار زیادی به استخراج نفت و صادرات آنها دارند. بنابراین اقتصاد این کشورها در معرض نوسانات ناشی از قیمت نفت و در نتیجه کاهش ارزش پول ملی و کاهش ارزش تولیدات این کشورها قرار دارد. توسعه مالی از کانال‌های مختلفی نظیر افزایش کیفیت سرمایه‌گذاری، تخصیص مناسب پس‌اندازها، کاهش رانت و فساد و افزایش بهره‌وری می‌تواند از پیامدهای منفی پدیده نفرین منابع در اقتصاد بکاهد و در نتیجه بر رابطه بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد. (رامز و همکاران، ۲۰۱۶) وجود سیستم مالی توسعه‌یافته در کشورهای نفتی، از طریق سوق دادن درآمدهای حاصل از نفت به بخش حقیقی اقتصاد و تخصیص بهینه منابع، مانع از تأثیرات منفی این نوسانات بر متغیرهای کلان اقتصادی می‌گردد. نقش و اهمیت توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه غیر نفتی بسیار بیشتر از کشورهای نفتی است و دلیل آن نقش و اهمیت توسعه مالی و تأثیرگذاری آن بر رشد اقتصادی از کانال سرمایه‌گذاری بیان می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت توسعه مالی از طریق افزایش کیفیت سرمایه‌گذاری می‌تواند بر رابطه بین رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی تأثیرگذار باشد (عصاری و آقایی (۱۳۸۷)).

کشورهای نفت خیز مانند عراق، وابستگی بالایی به درآمدهای حاصل از نفت دارند. درآمدهای نفتی منبع اصلی بودجه این کشورها و صادراتشان است. با این حال، وجود این منابع فراوان اغلب نوسانات قابل توجهی در رشد اقتصادی این کشورها ایجاد می‌کند. از مهمترین دلایل این نوسانات، نوسانات قیمت نفت و وابستگی زیاد اقتصاد این کشورها به این منابع است. نفرین منابع، مفهومی است که بیان می‌کند درآمدهای نفتی طبیعی می‌تواند منجر به کاهش رشد اقتصادی و توسعه در بلندمدت شود. دلایل این امر شامل بی‌ثباتی اقتصادی، افزایش رانت‌خواری و کاهش تنوع اقتصادی می‌باشد. از طرفی، نوسانات قیمت نفت باعث نوسانات در ارزش پول ملی، بودجه دولت و سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود، که در نتیجه نوسانات رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. توسعه مالی به معنای تقویت و گسترش سیستم‌های مالی در اقتصاد است که شامل بهبود دسترسی به منابع مالی، بهینه‌سازی توزیع سرمایه، و افزایش کارایی بخش‌های مختلف اقتصادی می‌شود. وجود یک سیستم مالی توسعه‌یافته می‌تواند نقش تعدیل‌کننده‌ای در رابطه بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی داشته باشد. به عبارت دیگر، توسعه مالی می‌تواند از کانال‌های زیر بر این رابطه اثر بگذارد:

۱- تخصیص بهینه پس‌اندازها و درآمدها: با توسعه سیستم مالی، مازاد درآمدهای ناشی از صادرات نفت به سمت سیستم مالی سوق داده می‌شوند. از طریق این سیستم، پس‌اندازها بین بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه بخش حقیقی اقتصاد توزیع می‌شوند. این امر از ورود منابع مالی به بخش‌های غیرمولد و سفته‌بازی جلوگیری می‌کند، که در نتیجه می‌تواند نوسانات اقتصادی را تعدیل کند و باعث افزایش پایداری در رشد اقتصادی شود.

۲- بهبود کیفیت سرمایه‌گذاری: یکی از کارکردهای اصلی سیستم مالی توسعه‌یافته، تخصیص منابع به سرمایه‌گذاری‌های کارآمد و مولد است. سیستم مالی از طریق هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به بخش‌های پر بازده، کیفیت سرمایه‌گذاری را افزایش داده و بهره‌وری را تقویت می‌کند. با افزایش کیفیت سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی پایدارتر می‌شود.

۳- کاهش رانت و فساد: یکی از مشکلات کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان، وجود رانت و فساد مالی ناشی از درآمدهای نفتی است. توسعه سیستم مالی می‌تواند از طریق افزایش شفافیت مالی و تقویت نظارت بر تخصیص منابع، از این معضل بکاهد. در نتیجه، منابع مالی به‌صورت بهینه‌تری در بخش‌های مولد اقتصادی توزیع شده و از تأثیرات منفی ناشی از سوءمدیریت و فساد کاسته می‌شود.

۴- مقابله با پدیده نفرین منابع: توسعه مالی از طریق افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت سرمایه‌گذاری می‌تواند تأثیرات منفی نفرین منابع را کاهش دهد. این امر به تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از نوسانات شدید اقتصادی منجر می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت یک سیستم مالی قوی و توسعه‌یافته از طریق کنترل بهتر نقدینگی و تخصیص بهینه منابع مالی، می‌تواند نوسانات رشد اقتصادی را تثبیت کند. در کشورهای نفتی، نوسانات قیمت نفت و وابستگی به این درآمدها، باعث ایجاد نوسانات در

رشد اقتصادی می‌شود. توسعه مالی می‌تواند از طریق هدایت منابع حاصل از نفت به بخش‌های مولد و کاهش وابستگی اقتصاد به منابع طبیعی، این نوسانات را کاهش دهد. همچنین، توسعه مالی باعث افزایش دسترسی به منابع مالی خارجی و افزایش سطح سرمایه‌گذاری داخلی می‌شود، که در نهایت به پایداری رشد اقتصادی کمک می‌کند. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در کشورهای نفت‌خیز، به دلیل وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، سیستم‌های مالی به طور کامل توسعه نیافته‌اند. این وابستگی می‌تواند مانع از توسعه اقتصادی پایدار و ایجاد سیستم‌های مالی کارآمد شود. از طرفی، کشورهای دارای سیستم مالی توسعه‌یافته می‌توانند از درآمدهای نفتی به‌طور بهینه‌تری استفاده کرده و آنها را به سمت بخش‌های مولد اقتصاد هدایت کنند. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه مالی می‌تواند نقش مهمی در تعدیل نوسانات ناشی از درآمدهای نفتی طبیعی و رشد اقتصادی داشته باشد. یک سیستم مالی توسعه‌یافته از طریق تخصیص بهینه منابع، بهبود کیفیت سرمایه‌گذاری و کاهش فساد، نوسانات اقتصادی را کاهش داده و رشد اقتصادی پایدار را تقویت می‌کند. همچنین، توسعه مالی باعث کاهش اثرات منفی نفرین منابع و نوسانات ناشی از قیمت نفت بر اقتصاد کلان می‌شود. بنابراین، کشورهای نفت‌خیز باید بر تقویت و توسعه سیستم‌های مالی خود تمرکز کرده تا بتوانند از منابع طبیعی خود به‌طور بهینه‌تری بهره‌برداری کنند و نوسانات اقتصادی را مدیریت نمایند (حسن اف و همکاران، ۲۰۲۳).

پیشینه پژوهش

حسن اف و همکاران (۲۰۲۳)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "رانت‌های نفتی و رشد اقتصادی غیرنفتی در کشورهای CIS صادرکننده نفت: نقش توسعه مالی"، به بررسی نقش توسعه مالی در تأثیر رانت‌های نفتی بر رشد بخش غیرنفتی در کشورهای آذربایجان، قزاقستان و روسیه پرداختند. با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، نتایج نشان داد که برای آذربایجان و قزاقستان، سطح آستانه‌ای توسعه مالی بر تأثیر رانت‌های نفتی بر رشد غیرنفتی مؤثر است. در حالی که برای روسیه، هیچ تأثیر آستانه‌ای یا تعاملی یافت نشد و رانت‌های نفتی تأثیر مثبت و خطی بر توسعه اقتصادی غیرنفتی دارند. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که کیفیت نهادها تأثیر مثبتی بر رشد غیرنفتی در آذربایجان دارد و به‌طور غیرمستقیم بر قزاقستان و روسیه نیز تأثیر می‌گذارد.

مرادیگی و هوک (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان "نوسان رشد و نفرین منابع: آیا توسعه مالی شوک نفت را تعدیل می‌کند؟" به بررسی تأثیر نوسانات رابطه مبادله نفت بر رشد اقتصادی ۶۳ کشور تولیدکننده نفت طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۰ پرداختند. با استفاده از گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، نتایج نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین نوسانات نفت و رشد اقتصادی وجود دارد. توسعه مالی می‌تواند بخشی از اثر منفی نوسانات نفت را تعدیل کند. همچنین، سیاست‌های قوی دولتی می‌تواند عدم اطمینان خانوارها و بنگاه‌ها را کاهش داده و عملکرد بازارهای مالی را بهبود بخشد.

قدر و حسن (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای با عنوان "نوسان قیمت نفت، مالی اسلامی و رشد اقتصادی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس" رابطه نوسانات قیمت نفت و رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۴ بررسی کردند. با استفاده از گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، نتایج حاکی از وجود یک رابطه منفی و معنادار بین نوسانات نفت و رشد اقتصادی بود. توسعه بازارهای مالی در این کشورها می‌تواند این رابطه منفی را تعدیل کند.

الهنانی و همکاران (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "توسعه مالی و نفرین منابع: شواهدی از الجزایر" به بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی و نفرین منابع در الجزایر طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۱ پرداختند. نتایج نشان داد که توسعه مالی می‌تواند به افزایش رشد اقتصادی کمک کند اما قادر به کاهش اثرات منفی اجاره‌ای نفت نیست.

¹Hasanov et al. ,2023

²Qadour & Hassan (2016)

³Elhanani et al. (2016)

زاجوس^۱ (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای با عنوان "پویایی قیمت نفت و سودآوری صنعت بانکداری نیجریه" به بررسی تأثیر شوک‌های قیمت نفت بر سودآوری سیستم بانکی نیجریه طی دوره‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و ۲۰۱۴-۲۰۱۵ پرداخت. با استفاده از گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، نتایج نشان داد که شوک قیمت نفت تأثیر مستقیمی بر سودآوری سیستم بانکی نیجریه دارد و این مکانیزم برخلاف نتایج مطالعات مشابه در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا است. همچنین، وجود پدیده پایداری سود در سیستم بانکی نیجریه تأیید شد. گورلما و کتانی^۲ (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی بیشتر منابع طبیعی و رشد اقتصادی: آیا منابع طبیعی رشد را کاهش می‌دهد؟" به بررسی تأثیر منابع طبیعی بر رشد اقتصادی دو گروه کشورهای غنی و فقیر طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۰ پرداختند. با استفاده از الگوی پانل و تخمین اثرات ثابت، نتایج نشان داد که کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان در سال ۱۹۷۰ از رشد اقتصادی پایین‌تری نسبت به کشورهای فاقد منابع طبیعی برخوردار بودند. اما فراوانی منابع طبیعی در سال ۱۹۹۰ تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ داشت. این مطالعه نشان داد که فرضیه "نفرین منابع" و "بیماری هلندی" در دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ تأیید شد، اما در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ این فرضیه‌ها رد شدند، زیرا بخش تولید حتی در کشورهای دارای منابع طبیعی رشد مناسبی داشته است.

یومانلی^۳ (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای با عنوان "منابع طبیعی: درآمدها و عملکرد اقتصادی کشورهای ثروتمند" تأثیر درآمدهای حاصل از منابع نفتی بر رشد اقتصادی ۲۸ کشور دارای منابع نفتی را طی دوره ۱۹۸۵-۲۰۱۰ با استفاده از تکنیک GMM سیستمی و حداقل مربعات دو مرحله‌ای (2SLS) مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که درآمد حاصل از منابع طبیعی تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی این کشورها دارد و این نتایج با استفاده از روش‌های مختلف تخمین معتبر است. رامز و همکاران^۴ (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای با عنوان "نفرین منابع و رابطه توسعه مالی-رشد در مالزی: نقش سرمایه‌گذاری" به بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی و بهره‌وری عوامل تولید در مالزی طی دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۳ پرداختند. با استفاده از مدل خودتوضیح برداری با وقفه گسترده (ARDL)، نتایج نشان داد که هیچ رابطه معنادار مستقیمی بین توسعه مالی و رشد اقتصادی یا بهره‌وری عوامل تولید وجود ندارد. با این حال، تأثیر مثبت و مستقیم توسعه مالی و وابستگی به نفت بر سرمایه‌گذاری تأیید شد. همچنین، نفرین منابع در این کشور تأیید گردید.

آقایی و رضاقلی‌زاده^۵ (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای با عنوان "رابطه بین نوسانات رشد اقتصادی و نفرین نفت: بررسی نقش توسعه مالی" به بررسی تأثیر وفور منابع بر نوسانات رشد اقتصادی در کشورهای عضو اوپک طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ پرداختند. با استفاده از روش پانل، نتایج نشان داد که نوسانات ناشی از وفور منابع باعث نوسانات رشد اقتصادی در این کشورها شده است. همچنین، شواهدی وجود دارد که توسعه مالی توانسته است نوسانات ناشی از وفور منابع بر رشد اقتصادی را کاهش دهد.

سعیدی و همکاران^۶ (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "آزادسازی حساب سرمایه، توسعه مالی و رشد اقتصادی در حضور وقفه‌های ساختاری و وابستگی متقابل" به بررسی رابطه بین آزادسازی حساب سرمایه و رشد اقتصادی در ۲۷ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و ۵۲ کشور غیرعضو طی دوره ۱۹۸۳-۲۰۱۳ پرداختند. با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و بلندمدتی بین آزادسازی حساب سرمایه و رشد اقتصادی وجود دارد و این اثر در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بیشتر از کشورهای غیرعضو است.

فرهادی و همکاران^۷ (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با عنوان "رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی در اقتصادهای غنی از منابع" به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی در کشورهای نفتی طی دوره ۱۹۷۰-۲۰۱۰ با استفاده از الگوی پانل پویا و تخمین زن گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) پرداختند. این مطالعه نشان داد که با شاخص‌هایی مانند اندازه دولت، حقوق مالکیت، دسترسی به پول، آزادی

^۱Zajuous (2016)^۲Gurlma & Kotani (2016)،^۳Yomanli (2016)

تجاری و تنظیم مقررات مناسب، کشورهای دارای آزادی اقتصادی بیشتر، علیرغم وجود اجاره منابع منفی، از رشد اقتصادی مثبتی برخوردار هستند.

همانطور که ملاحظه می شود اکثر مطالعات انجام شده به بررسی رابطه بین رشد و توسعه مالی پرداخته اند و در هیچ مطالعه ای نقش تعدیلی توسعه مالی در رابطه بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی پرداخته نشده است که وجه تمایز این تحقیق با تحقیقات گذشته است.

روش شناسی پژوهش

ارائه مدل تحقیق و بررسی متغیرها

با توجه به مطالعات انجام شده نظیر رامز و همکاران (۲۰۱۶)، قزدر و حسن (۲۰۱۶) و مرادیگی و هوک (۲۰۱۶) و بر اساس مبانی نظری تحقیق، مدل مناسب پژوهش به منظور آزمون فرضیه تحقیق مبنی بر نقش توسعه مالی بر رابطه بین نوسانات درآمدهای نفتی و نوسانات رشد اقتصادی در کشور عراق به صورت معادله (۱) ارائه می شود.

$$SDG_t = \alpha_1 SDG_{t-1} + \alpha_2 SDOIL_{it} + \alpha_3 SDINF_t + \beta FD_t + \gamma (FD_t * SDOIL_t) + \lambda_t + \delta Z_t + U_t \quad (1)$$

SDG ، متغیر وابسته تحقیق و بیانگر نوسانات رشد اقتصادی در کشور عراق طی دوره زمانی مورد بررسی در این تحقیق می باشد. محاسبه نوسان رشد به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق بر اساس انحراف استاندارد مقادیر سالانه رشد اقتصادی با توجه به میانگین متحرک پنج ساله نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی است.

$SDOIL$ ، نشان دهنده نوسانات رشد درآمدهای نفتی می باشد. با توجه به مطالعات انجام شده قبلی نظیر رامز و همکاران (۲۰۱۶) و اسپاتافرا و تایتل^۳ (۲۰۰۹)، نحوه محاسبه نوسانات درآمدهای نفتی به صورت معادله (۲) می باشد:

$$OTOT_{it} = \left(\frac{POIL_t}{MUV_t} \right)^{X-M} \quad \text{معادله (۲)}$$

$POIL$ ، نشان دهنده قیمت سالانه نفت عراق طی دوره زمانی مورد بررسی تحقیق می باشد. MUV نیز نشان دهنده شاخص ارزش افزوده صنایع کارخانه ای می باشد. X و M نیز به ترتیب برابر با متوسط سهم صادرات و واردات نفت در کشور عراق به GDP آنها می باشد. محاسبه نوسانات درآمدهای نفتی نیز همانند محاسبه نوسانات رشد اقتصادی به صورت انحراف معیار مقادیر میانگین متحرک پنج ساله انجام گردیده است.

$SDINF$ ، نشان دهنده نوسانات نرخ تورم کشورهای مختلف طی دوره مورد بررسی می باشد که نوسانات این متغیر نیز بر اساس روش مورد استفاده در این تحقیق، محاسبه شده است.

$FD*OIL$ ، متغیر تعاملی توسعه مالی و نوسانات درآمدهای نفتی به منظور بررسی تأثیر توسعه مالی بر نوسانات درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی می باشد.

FD ، بیانگر شاخص توسعه مالی مورد استفاده در این تحقیق می باشد. در این تحقیق شاخص توسعه مالی ارائه شده توسط صندوق بین المللی پول استفاده شده است.

Z ، بیانگر بردار متغیرهای کنترلی مورد استفاده و تأثیر گذار بر نوسانات رشد اقتصادی بر اساس مبانی نظری و مطالعات انجام شده قبلی می باشد. در این مدل از متغیرهایی نظیر درجه باز بودن تجاری و نسبت مخارج دولت به GDP استفاده شده است. λ_t بیانگر اثرات زمان (متغیر مجازی زمان) و U_t نیز جز اخلال مدل می باشد.

¹ Kaouther Gazdar.Et al

² Morad beige, M., Hook Law

³ Spatafora and Title

بررسی آماره‌های توصیفی متغیرهای مدل

آماره‌های توصیفی متغیرهای مدل در جدول (۱) ارائه شده است. آماره‌های توصیفی ارائه شده برای عراق در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۳ نشان‌دهنده نوسانات قابل توجه در متغیرهای اقتصادی کلیدی است که بیانگر بی‌ثباتی‌های مختلفی در این کشور طی این دوره می‌باشد.

جدول (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای مدل

متغیر	میان	کشیدگی	چولگی	مینیمم	ماکزیمم	میانگین
نوسان رشد اقتصادی	۰/۰۳۶۵	۱۷/۶۴۶۱	۳/۸۴۰۳	۰/۰۰۴۰	۰/۵۴۳۴	۰/۰۶۱۴
نوسان تورم	۲/۹۳۵۱	۱۵/۲۰۳۰	۳/۳۶۰۷	۰/۵۹۷۱	۴۶/۶۴۲۱	۵/۳۸۱۸
نوسان درآمدهای نفتی	۰/۰۴۳۹	۳/۹۰۱۵	۱/۱۸۱۲	۰/۰۰۶۶	۰/۱۵۹۶	۰/۰۵۴۸
بازبودن تجاری	۰/۶۸۸۳	۶/۸۹۶۴	۲/۱۴۶۱	۰/۳۰۵۳	۳/۵۵۶۰	۰/۹۵۴۵
مخارج دولت	۱۳/۵۹۹۹	۲/۷۴۵۵	۰/۳۶۷۵	۵/۷۴۵۸	۲۹/۵۶۱۸	۱۴/۳۱۲۲
شاخص توسعه مالی	۰/۲۴۵۶	۱/۷۲۰۰	۰/۴۷۱۹	۰/۱۱۱۶	۰/۶۳۸۲	۰/۲۹۴۴
تولید ناخالص داخلی	۵۳۲۰/۳۰۱	۵/۵۴۸۷	۱/۹۳۷۹	۱۸۶۶/۰۰۷	۷۵۱۱۷/۳۶	۱۵۳۷۹/۷۳
قدرمطلق نوسان رشد	۰/۰۲۵۴	۱۶/۸۸۲۵	۳/۷۲۴۳	۰/۰۰۳۷	۰/۴۰۷۳	۰/۰۴۶۰
قدرمطلق نوسان درآمدهای نفتی نفت	۰/۰۲۶۷	۳/۶۴۵۹	۱/۱۸۴۴	۰/۰۰۵۴	۰/۱۰۹۰	۰/۰۳۵۵
قدرمطلق نوسان تورم	۲/۷۳۱۸	۳/۹۶۳۷	۳/۶۹۴۸	۰/۳۱۰۵	۴۶/۶۴۲۱	۵/۰۰۴۶

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

روش تخمین مدل

به منظور بررسی نقش توسعه مالی در رابطه بین نوسانات درآمدهای نفتی و نوسانات رشد اقتصادی در کشور عراق از معادله (۱) و تخمین زن گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) برای داده‌های سری زمانی استفاده می‌شود. به منظور کنترل و تصحیح مشکلات ناشی از درون‌زایی متغیرها و وجود ساختار پویا در مدل، روش GMM به‌عنوان یکی از مناسب‌ترین روش‌های تخمین برای چنین داده‌هایی انتخاب شده است.

مدل اصلی تحقیق به صورت یک مدل پویا تعریف شده است که در آن نوسانات رشد اقتصادی تابعی از مقادیر وقفه‌دار خود، نوسانات درآمدهای نفتی، نوسانات تورم، توسعه مالی، و تعامل بین توسعه مالی و نوسانات درآمدهای نفتی است. علاوه بر این، متغیرهای کنترلی مانند مخارج دولت، تولید ناخالص داخلی و بازبودن تجاری نیز در مدل لحاظ شده‌اند.

با توجه به مشکلاتی که در تخمین مدل‌های پویا وجود دارد، به‌ویژه در رابطه با درون‌زایی متغیرهای توضیحی و حذف اثرات ثابت، استفاده از روش‌های معمول مانند OLS (حداقل مربعات معمولی) می‌تواند به تخمین‌های ناسازگار و دچار تورش منجر شود. به‌طور خاص، آرلانو و باند (۱۹۹۱) نشان دادند که در چنین شرایطی، استفاده از وقفه‌های متغیرهای مستقل به‌عنوان ابزار می‌تواند این مشکلات را برطرف کند. در این روش، ابتدا تفاضل مرتبه اول از معادله اصلی گرفته می‌شود تا اثرات ثابت از مدل حذف گردد و سپس وقفه‌های متغیرهای مستقل به‌عنوان ابزار در تخمین مدل استفاده می‌شوند (اسلام، ۱۹۹۵). چون مدل (۱) با دو مشکل درون‌زایی متغیرهای توضیحی و وجود ساختار پویا مواجه است، از این روش براساس مطالعات بالتاجی (۲۰۰۱) و آرلانو و باند (۱۹۹۱)، باید به روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای و یا به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته متوسل شد. به دلیل نوع ابزارهای مورد استفاده در روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای، ممکن است واریانس ضرایب تخمینی بزرگتر برآورد شوند و نتایج ناسازگاری بدست آید. از این رو، مناسب‌ترین تخمین زن برای مدل‌های پویا، تخمین زن گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) خواهد بود. در نهایت، برای بررسی

درستی و اعتبار تخمین‌های به‌دست‌آمده از دو آزمون مهم استفاده می‌شود: آزمون سارگان برای بررسی اعتبار ابزارهای به‌کار رفته و آزمون والد بررسی عدم وجود خودهمبستگی سریالی در باقیمانده‌های مدل انجام می‌گیرد. این آزمون‌ها اطمینان می‌دهند که فروض *GMM* برقرار هستند و نتایج به‌دست‌آمده معتبر خواهند بود.

تخمین مدل و تفسیر ضرایب

در این قسمت از تحقیق به تخمین و برآورد الگوی پژوهش با استفاده از روش *GMM* پرداخته می‌شود. قبل از انجام هر تخمین مجموعه‌ای از آزمون‌های قبل از برآورد و آزمون‌های بعد از برآورد وجود دارد. در ادامه این بخش تمام آزمون‌های تشخیصی قبل و بعد از تخمین مدل ارائه می‌گردد. قبل از تخمین و برآورد مدل تحقیق، ابتدا ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد استفاده در تخمین مورد بررسی قرار می‌گیرد. ماتریس ضریب همبستگی این متغیرها در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲): ماتریس همبستگی بین متغیرها

قدرمطلق نوسان تورم	قدرمطلق نوسان درآمد های نفتی	قدرمطلق نوسان رشد	تولید ناخالص داخلی	شاخص توسعه مالی	مخارج دولت	باز بودن تجاری	نوسان درآمد های نفتی	نوسان تورم	نوسان رشد اقتصادی	متغیر
۱/۰۰۰۰										نوسان رشد اقتصادی
۰/۲۲۰۴	۱/۰۰۰۰									نوسان تورم
۰/۰۴۶۲	۰/۲۰۸۵	۱/۰۰۰۰								نوسان درآمد های نفتی
۰/۰۲۵۲	-۰/۰۱۴۶	۰/۵۵۰۹	۱/۰۰۰۰							بازبودن تجاری
-۰/۱۸۷۹	-۰/۱۹۲۱	۰/۴۸۲۰	۰/۵۶۲۲	۱/۰۰۰۰						مخارج دولت
-۰/۱۱۰۶	۰/۱۴۵۳	۰/۶۶۶۲	۰/۷۸۶۱	۰/۶۵۱۰	۱/۰۰۰۰					شاخص توسعه مالی
۰/۱۸۹۸	۰/۲۰۴۰	۰/۶۲۵۷	۰/۸۸۴۷	۰/۲۷۴۲	۰/۷۶۲۰	۱/۰۰۰۰				تولید ناخالص داخلی
۰/۹۲۲۱	۰/۰۵۰۸	۰/۰۰۳۰	۰/۳۳۶۲	-۰/۱۰۰۶	۰/۱۷۹۷	۰/۳۵۳۲	۱/۰۰۰۰			قدرمطلق نوسان رشد
۰/۰۴۰۱	۰/۲۴۵۹	۰/۹۵۲۰	۰/۶۳۶۴	۰/۴۵۲۴	۰/۷۰۱۹	۰/۷۱۶۵	۰/۰۹۶۵	۱/۰۰۰۰		قدرمطلق نوسان درآمد های نفتی
۰/۲۰۸۸	۰/۹۴۵۶	-۰/۰۰۲۱	-۰/۱۸۷۵	-۰/۲۵۰۱	۰/۰۱۷۲	-۰/۰۲۵۳	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۲۵۲	۱/۰۰۰۰	قدرمطلق نوسان تورم

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

همانطور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، ضرایب همبستگی متغیرهای مدل از علامت‌های مورد انتظار با تئوری‌های موجود اقتصادی برخوردار هستند. نوسان درآمدهای نفتی و نوسان تورم با نوسان رشد اقتصادی همبستگی مثبت دارند. در حالی که شاخص

توسعه مالی با نوسان رشد اقتصادی همبستگی منفی دارد. درجه باز بودن تجاری با نوسان رشد و نوسان درآمدهای نفتی همبستگی مثبت ولی با نوسان تورم همبستگی منفی دارد. همان طور که بر اساس ضرایب همبستگی متغیرها مشاهده می شود، مشکل هم خطی بین متغیرهای توضیحی استفاده شده در مدل نیز به چشم نمی خورد.

آزمون ریشه واحد

بر اساس نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد، متغیرها مانند نوسان رشد اقتصادی، لگاریتم شاخص توسعه مالی، لگاریتم باز بودن تجاری، نوسان درآمدهای نفتی، و لگاریتم مخارج دولت در سطح خود ایستا نیستند و دارای ریشه واحد هستند (I(1))، به این معنا که این متغیرها در سطح ایستا نبوده و برای تبدیل شدن به متغیر ایستا باید مرتبه اول تفاضل گرفته شوند. متغیرهای تعامل نوسانات تورم و شاخص توسعه مالی، نوسان تورم، نوسانات رشد اقتصادی، لگاریتم تولید ناخالص داخلی، و متغیرهای تعاملی نوسانات و توسعه مالی در سطح خود ایستا هستند. این نتایج نشان می دهد که برای برخی از متغیرها نیاز به تفاضل گیری وجود دارد تا ایستایی و پایداری آنها در مدل تأمین شود و بتوان از آنها در تخمین معادلات به شیوه مناسب و بدون تورش استفاده کرد.

نتایج تخمین مدل

نتایج حاصل از تاثیرگذاری توسعه مالی بر رابطه بین نوسانات رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی با استفاده از تخمین زن GMM در جدول (۳) ارائه شده است. ابتدا تخمین مدل تحقیق بر اساس مدل پایه ای تحقیق و بدون در نظر گرفتن متغیرهای تعاملی انجام شده است، سپس در ادامه مدل تحقیق با اضافه شدن متغیر تعاملی توسعه مالی و نوسانات رشد درآمدهای نفتی و همچنین متغیر تعاملی توسعه مالی و نوسانات نرخ تورم برآورد می شود.

جدول ۳- بررسی تاثیر توسعه مالی بر رابطه نوسانات درآمدهای نفتی و نوسانات رشد اقتصادی

متغیر	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳
متغیر باوقفه نوسانات رشد اقتصادی	۰/۷۴۷۷ [۰/۰۷۹۶] (۰/۰۰۰)	۰/۶۸۹۰ [۰/۰۷۶۶] (۰/۰۰۰)	۰/۷۵۶۶ [۰/۰۹۲۷] (۰/۰۰۰)
نوسان درآمدهای نفتی	۰/۰۵۸۳ [۰/۰۲۷۸] (۰/۰۴۱)	۰/۴۸۱۵ [۰/۱۸۳۶] (۰/۰۰۹)	۰/۳۷۲۶ [۰/۲۰۳۵] (۰/۰۶۷)
نوسان تورم	۰/۰۰۱۳ [۰/۰۰۰۸] (۰/۱۵۳)	۰/۰۰۰۸ [۰/۰۰۰۸] (۰/۲۸۳)	۰/۰۰۴۸ [۰/۰۰۳۰] (۰/۱۱۴)
لگاریتم شاخص توسعه مالی	-۰/۰۵۶۱ [۰/۰۱۱۱] (۰/۰۰۰)	-۰/۰۳۹۱ [۰/۰۱۲۱] (۰/۰۰۱)	-۰/۰۲۹۷ [۰/۰۱۴۱] (۰/۰۳۶)
لگاریتم تولید ناخالص داخلی	-۰/۰۲۷۰ [۰/۰۰۶۹] (۰/۰۰۰)	-۰/۰۲۴۹ [۰/۰۰۶۴] (۰/۰۰۰)	-۰/۰۲۷ [۰/۰۰۶۷] (۰/۰۰۰)
لگاریتم مخارج دولت	-۰/۰۵۹۵ [۰/۰۱۱۷] (۰/۰۰۰)	-۰/۰۵۵۲ [۰/۰۱۰۹] (۰/۰۰۰)	-۰/۰۵۴ [۰/۰۱۱۱] (۰/۰۰۰)
لگاریتم باز بودن تجاری	۰/۰۶۱۸ [۰/۰۱۴۵] (۰/۰۰۰)	۰/۰۴۹۷ [۰/۰۱۴۱] (۰/۰۰۰)	۰/۰۵۵۱ [۰/۰۱۴۹] (۰/۰۰۰)

متغییر تعاملی نوسان درآمدهای نفتی و توسعه مالی	-۰/۴۴۴۹ [۰/۱۶۸۲] (۰/۰۰۸)	-۰/۳۶۹۳ [۰/۱۸۰۱] (۰/۰۴۰)	
متغییر تعاملی نوسان تورم و توسعه مالی		۰/۰۰۳۷ [۰/۰۰۲۷] (۰/۱۸۰)	
ضریب ثابت	۰/۴۹۸۸ [۰/۰۹۴۴] (۰/۰۰۰)	۰/۴۴۶۴ [۰/۰۸۹۱] (۰/۰۰۰)	۰/۴۵۴۸ [۰/۰۹۰۸] (۰/۰۰۰)
آزمون سارگان	۴۱/۱۲۸ (۰/۲۹۴۶)	۴۱/۵۷۲۸۱ (۰/۲۴۰۹)	۳۸/۴۳۰۳۹ (۰/۳۱۶۹)
آزمون والد	۲۳۵/۱۲ (۰/۰۰۰)	۲۸۴/۶۲ (۰/۰۰۰)	۲۷۷/۲۳ (۰/۰۰۰۰)

انحراف معیار خطای تخمین در داخل براکت و مقادیر احتمال مربوط به ضرایب نیز در پرانتز ارائه شده است. احتمال مربوط به آماره های والد و سارگان نیز در پرانتز ارائه شده است. مأخذ: محاسبات نگارندگان.

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می شود، نتایج حاصل از آزمون والد و آزمون سارگان به عنوان آزمون های تشخیصی بعد از تخمین ارائه شده است. آزمون والد معنی دار بودن کل رگرسیون را آزمون می کند و آزمون سارگان اعتبار متغیرهای ابزاری مورد استفاده در مدل را مورد بررسی قرار می دهد. آزمون سارگان که به منظور بررسی اعتبار متغیرهای ابزاری استفاده شده در مدل و آزمون قیود بیش از حد می باشد، تحت فرضیه صفر مبنی بر اعتبار متغیرهای ابزاری استفاده شده بر اساس توزیع مجانبی کای دو قرار دارد. نتایج حاصل از این آزمون نشان دهنده این است که در هر سه مدل برآورد شده، متغیرهای ابزاری با اجزای باقیمانده ای مدل همبستگی ندارند، بنابراین این متغیرها درست انتخاب شده و نتایج مدل از این جهت قابل اعتماد است. نتایج حاصل از آزمون والد نیز بیانگر معنی داری کل رگرسیون برآورد شده می باشند.

با توجه به نتایج به دست آمده در هر سه رگرسیون برآورد شده تأثیر متغیر با وقفه نوسانات رشد اقتصادی بر متغیر وابسته مدل (سطح جاری نوسان رشد اقتصادی) مثبت و به لحاظ آماری در سطح اطمینان بالایی معنی دار است. این نتیجه نشان دهنده این است که نوسانات رشد اقتصادی در دوره های قبل بر نوسانات دوره جاری این متغیر تأثیر مثبت دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده تأثیر متغیر نوسانات رشد درآمدهای نفتی در تمام مدل های برآورد شده مثبت و به لحاظ آماری نیز معنی دار می باشد. این نتیجه به دست آمده نشان دهنده این است که نوسانات درآمدهای نفتی در کشور عراق تأثیر مثبت بر نوسانات رشد اقتصادی در این کشور طی دوره مورد بررسی داشته است و تأیید کننده فرضیه نفرین منابع در این کشورها می باشد. در توجیه این نتیجه به دست آمده می توان گفت، ساختار نامناسب اقتصادی کشور عراق باعث شده است تا این کشور در برابر نوسانات درآمدهای نفتی واکنش مناسبی نداشته باشند. یکی از مهمترین دلایل آسیب پذیری این کشور از نوسانات درآمدهای حاصل از نفت اقتصاد تک محصولی این کشورها می باشد. کشورهایی همچون ایران، عربستان، عراق و قطر هنوز وابستگی بسیار زیادی به درآمدهای نفتی دارند. پدیده بیماری هلندی و تأثیر نوسانات حاصل از درآمدهای نفتی بر شاخص قیمت ها را از دیگر دلایل این نتیجه به دست آمده می توان عنوان کرد. نوسانات درآمدهای نفتی در این کشورها، نوسانات سطح عمومی قیمت ها را به همراه خواهد داشت و بوجود آمدن نااطمینانی حاصل از سطح عمومی قیمت ها باعث نوسانات رشد اقتصادی در این کشورها خواهد شد. عواملی همچون وجود رانت و فساد، محدودیت های موجود در حساب جاری و فرار سرمایه در کشور عراق را از دیگر عوامل موثر بر

¹ Test of the over identifying restrictions

این نتیجه به دست آمده می‌توان قلمداد کرد. این نتیجه به دست آمده با نتایج حاصل از مطالعه ون درپلاگ و پلهک (۲۰۱۰) و (۲۰۰۹) و مرادیگی و هوک (۲۰۱۶) سازگار است.

تأثیر نوسانات ناشی از نرخ تورم بر نوسانات رشد اقتصادی در کشور عراق طی دوره مورد بررسی مثبت می‌باشد. ولی با توجه به اینکه ضرایب به دست آمده به لحاظ آماری معنی دار نیستند، اظهار نظر قطعی در این زمینه نمی‌توان کرد.

تأثیر متغیر GDP سرانه در هر سه مدل برآوردی منفی و به لحاظ آماری نیز معنی دار است. این نتیجه به دست آمده نشان‌دهنده این است که افزایش تولید ناخالص داخلی واقعی می‌تواند در کاهش نوسانات رشد اقتصادی موثر باشد.

تأثیر متغیر مخارج دولت بر نوسانات رشد اقتصادی در کشور عراق طی دوره مورد بررسی منفی و به لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. این نتیجه به دست آمده نشان‌دهنده این است که سیاست‌های اتخاذ شده دولت‌ها در کشور عراق با توجه به وابستگی بسیار زیاد اقتصاد این کشور به دولت، تأثیر بسزایی در کاهش نوسانات رشد اقتصادی در این کشورها می‌تواند داشته باشد.

تأثیر متغیر درجه باز بودن اقتصاد بر نوسانات رشد اقتصادی طی دوره مورد بررسی در کشور عراق مثبت و به لحاظ آماری نیز معنی دار است. این نتیجه بدست آمده بیانگر این است که افزایش درجه بازی اقتصاد در کشور عراق طی دوره مورد بررسی به نوسانات رشد اقتصادی در این کشورها دامن زده است. می‌توان گفت بر اساس الگوهای رشد درونزا، آزاد سازی تجاری و باز بودن اقتصاد از طریق ایجاد تنوع و بهبود کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، ارتقای دانش و تکنولوژی، بهبود اثرات یادگیری ضمن انجام کار می‌تواند بر رشد تولید تأثیر مثبت داشته باشد. از طرف دیگر با توجه به ساختار اقتصادی کشور عراق و وابستگی بیش از حد آنها به مواد اولیه و همچنین مواد مصرفی وارداتی و رشد سریعتر واردات نسبت به صادرات، آزاد سازی تجاری ممکن است به کاهش حساب جاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی منجر شود. بنابراین آزاد سازی تجاری می‌تواند نوسانات رشد اقتصادی را در پی داشته باشد. تأثیر شاخص توسعه مالی بر نوسانات رشد اقتصادی در تمام مدل‌های برآورد شده منفی و به لحاظ آماری نیز معنی دار می‌باشد. این نتیجه به دست آمده نشان‌دهنده این است که توسعه هر چه بیشتر نهادها و موسسات مالی و به طور کلی افزایش کارایی سیستم مالی در کاهش نوسانات رشد اقتصادی در کشور عراق موثر می‌باشد. توسعه مالی از طریق عواملی همچون تولید سرمایه برای انجام سرمایه‌گذاری‌های ممکن، آگاهی دادن درباره سرمایه‌گذاری، ایجاد زمینه مناسب تجارت و همچنین مدیریت ریسک و به کارگیری مناسب پس اندازها می‌تواند در کاهش نوسانات متغیرهای کلان اقتصادی و در نتیجه رشد اقتصادی موثر باشد.

ضریب متغیر تعاملی توسعه مالی و نوسانات درآمدهای نفتی نیز در مدل‌های برآورد شده منفی و به لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. معنی داری این ضریب نشان‌دهنده این است که توسعه مالی در کشور عراق طی دوره مورد بررسی موجب تعدیل نوسانات درآمدهای نفتی و بر نوسانات رشد اقتصادی در این کشور شده است.

این نتیجه به دست آمده با نتایج حاصل از مطالعه مرادیگی و هوک (۲۰۱۶) مبنی بر نقش توسعه مالی در تعدیل تأثیر شوک متغیرهای اقتصادی بر نوسانات رشد اقتصادی نیز سازگار است.

تأثیر متغیر تعاملی نوسانات تورم و توسعه مالی بر نوسانات رشد اقتصادی در کشور عراق مثبت و بیانگر این است که توسعه مالی در این کشورها طی دوره مورد بررسی قادر به کاهش نوسانات نرخ تورم بر نوسانات رشد اقتصادی نبوده است هر چند ضرایب به دست آمده به لحاظ آماری معنی دار نیستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر نوسانات درآمدهای نفتی به‌عنوان شاخص وفور منابع طبیعی بر نوسانات رشد اقتصادی در عراق و نقش تعدیلی توسعه مالی انجام شد. در بسیاری از کشورهای نفت‌خیز، مانند عراق، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی باعث شده است که اقتصاد آنها در برابر نوسانات قیمت نفت بسیار آسیب‌پذیر باشد. این مسئله نه تنها به بی‌ثباتی اقتصادی منجر شده، بلکه

توسعه پایدار را نیز به چالش کشیده است. در این راستا، با استفاده از داده‌های دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۳ و مدل GMM، تلاش شد تا رابطه بین نوسانات درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی و توسعه مالی بررسی شود. نتایج کلیدی پژوهش نشان داد که نوسانات درآمدهای نفتی به‌طور مثبت و معنی‌دار بر نوسانات رشد اقتصادی تأثیرگذار است. این نتیجه تأییدکننده فرضیه "نفرین منابع" است، زیرا وابستگی به درآمدهای نفتی موجب شده است که کشورهای نفت‌خیز، مانند عراق، با نوسانات شدیدتری در رشد اقتصادی مواجه شوند. علاوه بر این، توسعه مالی نقش مهمی در کاهش تأثیرات منفی نوسانات درآمدهای نفتی ایفا می‌کند. سیستم‌های مالی کارآمدتر می‌توانند با مدیریت بهتر منابع و ریسک‌ها، ثبات اقتصادی بیشتری ایجاد کرده و بخشی از اثرات منفی شوک‌های نفتی را کاهش دهند. همچنین، نتایج نشان داد که سیاست‌های اقتصادی دیگر، از جمله مخارج دولت و باز بودن تجاری، نیز تأثیر قابل توجهی دارند؛ به‌طوری‌که افزایش مخارج دولت به کاهش نوسانات اقتصادی کمک می‌کند، اما افزایش باز بودن تجاری موجب افزایش نوسانات می‌شود که این موضوع بیانگر پیچیدگی اقتصادهای وابسته به صادرات نفت است. در نهایت، این یافته‌ها بر ضرورت انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد عراق، تقویت سیستم مالی، و کاهش وابستگی به نفت تأکید می‌کند تا کشور بتواند در برابر نوسانات درآمدهای نفتی مقاوم‌تر عمل کرده و به رشد اقتصادی پایدار دست یابد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به تأثیر مثبت مخارج دولت در کاهش نوسانات رشد اقتصادی و همچنین تأثیر مثبت توسعه مالی بر رابطه نوسانات و رفاه منابع و رشد اقتصادی، دولت‌ها باید با اعمال سیاست‌های مناسب، زمینه‌ساز ایجاد یک سیستم مالی کارآمد و پیشرفته شوند. یک سیستم مالی کارآمد می‌تواند با کاهش ناپایداری بنگاه‌ها و خانوارها، افزایش اعتبار دولت و هدایت درآمدهای نفتی به سمت فعالیت‌های بهره‌وری بالا، تأثیرات مثبت درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی را افزایش دهد.

۲- یکی از کانال‌های اصلی نفرین نفت در اقتصاد وابسته به نفت، سوءمدیریت و بی‌توجهی به توسعه انسانی است. بنابراین، ضروری است که توجه بیشتری به سرمایه‌های انسانی و استفاده از درآمدهای نفتی برای شکوفایی این سرمایه‌ها جهت سرمایه‌گذاری در آینده معطوف شود. ایجاد برنامه‌های آموزشی و تقویت مهارت‌های نیروی کار می‌تواند به بهبود کیفیت نیروی انسانی و در نتیجه افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی کمک کند.

۳- با توجه به اینکه یکی از مهمترین عوامل در تداوم سیاست صادرات نفت خام، نداشتن قدرت جذب این منابع در تولید داخل می‌باشد، توسعه ظرفیت‌های تولید داخلی برای جذب درآمدهای نفتی و تبدیل آن به کالا و محصول ضروری است. این اقدام باید به‌گونه‌ای طراحی شود که ارزش افزوده و درآمد حاصل از آن به توسعه، اشتغال و رفاه اجتماعی منجر گردد. این می‌تواند شامل حمایت از صنایع داخلی، افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری و نوآوری و ترویج برنامه‌های کارآفرینی باشد.

۴- همچنین، توصیه می‌شود که سیاست‌گذاران اقتصادی به ایجاد یک محیط کسب و کار مساعد توجه کنند که شامل تسهیل دسترسی به منابع مالی، کاهش موانع قانونی و بهبود زیرساخت‌ها باشد. این موارد می‌توانند به تشویق سرمایه‌گذاری و افزایش فعالیت‌های اقتصادی کمک کنند و به نوبه خود موجب کاهش نوسانات رشد اقتصادی در کشور شوند.

۵- در نهایت، ایجاد یک استراتژی جامع برای مدیریت درآمدهای نفتی با هدف استفاده بهینه از این منابع برای توسعه پایدار و جلوگیری از نوسانات اقتصادی، نیازمند همکاری و هماهنگی بین نهادهای مختلف دولتی و خصوصی است. این همکاری می‌تواند شامل بهبود شفافیت و پاسخگویی در مدیریت منابع نفتی باشد.

منابع و مأخذ

رضایی، محمد، یآوری، کاظم، عزتی، مرتضی و اعتصامی، منصور. (۱۳۹۴). بررسی اثر وفور منابع طبیعی (نفت و گاز) بر سرکوب مالی و رشد اقتصادی از کانال اثرگذاری بر توزیع درآمد. *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)*، ۴ (۱۴)، ۱۲۲-

۸۹.

عصاری، عباس، ناصری، علیرضا و آقایی، مجید. (۱۳۸۷). توسعه مالی و رشد اقتصادی: مقایسه کشورهای نفتی عضو اوپک و غیرنفتی در حال توسعه. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، ۴۳ (82)، ۱۶۱-۱۴۱.

مکیان، سید نظام‌الدین و ایزدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه توسعه مالی با رشد اقتصادی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۰ (62).

محمدزاده اصل، نازی. (۱۳۹۳). چگونگی اثرگذاری کانال توسعه مالی بر نوسانات نرخ ارز و رشد اقتصادی. *پژوهش‌نامه اقتصاد مالی و توسعه*، ۱۰ (37)، ۹۳-۱۰۹.

نظری، محسن و مبارک، اصغر. (۱۳۸۹). وفور منابع طبیعی، بیماری هلندی و رشد اقتصادی در کشورهای نفتی. *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، ۷ (27)، ۴۷-۶۸.

نیلی، مسعود و راستاد، مهدی. (۱۳۸۲). توسعه مالی و رشد اقتصادی. مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، نقش نهادهای مالی در توسعه اقتصادی: عملکرد و چشم‌انداز-تجربه ایران، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، ۹۶-۷۱.

یاوری، کاظم، رضاقلی‌زاده، مهدیه و آقایی، مجید. بررسی رشد اقتصادی در کشورهای وابسته به منابع طبیعی (با تاکید بر منابع نفتی). *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۳ (5)، ۲۵-۶۴.

شاه‌آبادی، ابوالفضل و صادقی، حامد. (۱۳۹۲). مقایسه اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ایران و نروژ. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۷ (2)، ۲۱-۴۳.

سلطانی، بهزاد و امیری، بهزاد. (۱۳۸۸). توسعه مالی و رشد اقتصادی مورد کشورهای در حال توسعه. *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، ۶ (4).

Adenike, E. (2013). An econometric analysis of the impact of corruption on economic growth in Nigeria. *Journal of Business Management and Economics*, 4(3), 054-065.

Adeniy, O., Abimbola, O., Omisakin, O., & Egwaikhide, F. (2015). Financial development and economic growth in Nigeria: Evidence from threshold modelling. *Economic Analysis and Policy*, 47, 11-21.

Arezki, R., & van der Ploeg, F. (2011). Do natural resources depress income per-capita. *Review of Development Economics*, 15, 504-521.

Badeeb, A., Lean, H., & Smyth, R. (2016). Oil curse and finance growth nexus in Malaysia: The role of investment. *Journal of Energy Economics*, 57, 154-165.

Baltagi, B. H., Demetriades, P. O., & Law, S. H. (2009). Financial development and openness: Evidence from panel data. *Journal of Development Economics*, 89(2), 285-296.

Beck, T. (2011). Finance and oil: Is there a resource curse in financial development? *European Banking Center Discussion Paper*, 2011-004.

Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Levine, R. (2010). Financial institutions and markets across countries and over time: The updated financial development and structure database. *World Bank Economic Review*, 24, 77-92.

Bittencourt, M. (2012). Financial development and economic growth in Latin America: Is Schumpeter right? *Journal of Policy Modeling*, 34, 341-355.

Blundell, R., & Bond, S. (1998). Initial conditions and moment restrictions in dynamic panel data models. *Journal of Econometrics*, 87(1), 115-143.

Bulte, E. H., Damania, R., & Deacon, R. T. (2005). Resource intensity, institutions, and development. *World Development*, 33(7), 1029-1044.

Cooley, T., Marimon, R., & Quadrini, V. (2004). Aggregate consequences of limited contract enforceability. *Journal of Political Economy*, 112(4), 817–847.

Demirgüç-Kunt, A., & Huizinga, H. (2010). Bank activity and funding strategies. *Journal of Financial Economics*, 98, 626-50.

Durusu-Ciftci, D., Ispir, M. S., & Yetkiner, H. (2016). Financial development and economic growth: Some theory and more evidence. *Journal of Policy Modeling*. In Press, Corrected Proof.

Farooq, A., Shahbaz, M., Arouri, M., & Teulon, F. (2013). Does corruption impede economic growth in Pakistan? *Economic Modelling*, 35(0), 622–633.

Gerelmaa, L., & Kotani, K. (2016). Further investigation of natural resources and economic growth: Do natural resources depress economic growth? *Resources Policy*, 50, 312–321.

Hasanov, F. J., Aliyev, R., Taskin, D., & Suleymanov, E. (2023). Oil rents and non-oil economic growth in CIS oil exporters: The role of financial development. *Resources Policy*, 82, 103523. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2023.103523>

Isham, J., Woolcock, M., Pritchett, L., & Busby, G. (2005). The varieties of resource experience: Natural resource export structures and the political economy of economic growth. *World Bank Economic Review*, 19, 141–174.

Kaouter, G., et al. (2016). Oil price volatility, Islamic, and economic growth in GCC countries. *Public Policy Discussion Paper 04-6*, Federal Reserve Bank of Boston.

Kutan, A. M., & Wyzan, M. L. (2005). Explaining the real exchange rate in Kazakhstan, 1996 to 2003: Is Kazakhstan vulnerable to the Dutch disease? *Economic Systems*, 29(2), 242-255.

Larrain, B. (2004). Financial development, financial constraints, and the volatility of industrial output. *Public Policy Discussion Paper 04-6*, Federal Reserve Bank of Boston.

Levine, R. (1997). Financial development and economic growth: Views and agenda. *Journal of Economic Literature*, 35, 688–726.

Mehlum, H., Moene, K., & Torvik, R. (2006b). Institutions and the resource curse. *Economic Journal*, 116(508), 1–20.

Morad Beige, M., & Hook Law, S. (2016). Growth volatility and resource curse: Does financial development dampen the oil shocks? *Journal of Resources Policy*, 48, 97–103.

Ouoba, Y. (2016). Natural resources: Funds and economic performance of resource-rich countries. *Resources Policy*, 50, 108–116.

Papayrakis, E., & Gerlagh, R. (2007). Resource abundance and economic growth in the United States. *European Economic Review*, 51(4), 1011–1039.

van der Ploeg, F., & Poelhekke, S. (2010). The pungent smell of “red herrings”: Subsoil assets, rents, volatility and the resource curse. *Journal of Environmental Economics and Management*, 60(1), 44-55.

Yuxiang, K., & Chen, Z. (2011). Resource abundance and financial development: Evidence from China. *Resources Policy*, 36, 72–79.